

مصاحبه نشریه نگاه با صلاح مازوجی درباره مسائل جنبش کارگری ایران

نگاه: در مقدمه این گفتگو، شاید بهتر باشد از نظر و عقیده عمومی شما در مورد موقعیت امروز جنبش کارگری ایران شروع کنیم.

صلاح مازوجی: امروز طبقه کارگر ایران در یکی از دشوارترین دوران حیات اقتصادی خود بسر می برد، بیکاری میلیونی و هزینه های سرسام آور زندگی خانواده های کارگری را در چنگال خود می فشارد و زندگی بخشهای نسبتا وسیعی از کارگران را به تباهی می کشاند. در شرایطی که فقر و فلاکت اقتصادی بیداد می کند، تداوم بیکارسازی های گسترده که هر روز خبر آن می رسد، مانند وزنه سنگینی به پای طبقه کارگر در مبارزه با سرمایه داران بر سر مطالبات اقتصادی اش عمل می کند و به سرمایه داران و دولتشان امکان داده است تا با نگاه داشتن سایه شوم بیکاری بر سر کارگران میدان مانور آنان را محدود کنند و دستمزدها، را تا سرحد ممکن پایین بیاورند، و پرداخت همین سطح از دستمزدها را نیز به میل خود به تعویق بیندازند. مبارزه کارگران برای جلوگیری از اخراج کارگران و دریافت حقوق های معوقه و یا شرایط بازخرید کارگران، به بهترین وجه موقعیت کنونی جنبش کارگری را بیان می کند.

تحت این شرایط سرمایه داران به کمک دولت توانسته اند با رواج دادن کار بر مبنای قراردادهای موقت، خارج کردن کارگران کارگاههای کمتر از ۵ نفر و سپس کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر و اخیرا طرح خروج کارگران قراردادی از شمول قانون کار، نه تنها بخشهای وسیعی از کارگران را به شرایط کار بردگی و بیحقوقی مطلق سوق میدهند بلکه ایجاد اتحاد و همبستگی در صف مبارزات کارگری را با دشواریهای جدیدی روبرو سازند.

بنا به گفته یکی از حقوق دانان خانه کارگر رژیم قانون کار فعلی با اصلاحاتی که در آن بعمل آمده است از تمام قانون کارهایی که در ۶ دهه گذشته تصویب و به اجرا در آمده اند عقب تر رفته است (ضدکارگری تر شده است). با اینهمه سرمایه داران و صاحبان صنایع که از حمایت کامل دولت برخوردار هستند در جهت کسب سود بیشتر و تحمیل شرایط غیر انسانی تر به کارگران در زمینه های مختلف حتی خود را ملزم به رعایت همین قانون کار ارتجاعی و ضد کارگری نمی دانند.

با اینهمه همانطور که خودتان اطلاع دارید اعتراض و مبارزات کارگران در سالهای اخیر سیر رو به رشدی داشته است و کارگران ایران در مقابل تحمیل این فقر و فلاکت و بی حقوقی ها به دفاع از کار و زندگی خود پرداخته اند، در چند سال گذشته طبقه کارگر به اشکال رادیکالی از مبارزه روی آورده و هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ، راهپیمایی و تجمع اعتراضی را تجربه کرده است. هم اکنون بر زمینه های رشد این مبارزات جنب و جوش زیادی برای ایجاد تشکل های طبقاتی کارگران در میان فعالین و پیشروان کارگری به چشم می خورد.

نگاه: به طور مشخص تر نظر شما در باره ی تحولات اخیر در جنبش کارگری چیست؟ چرا طبقه کارگر به مثابه یک طبقه اجتماعی- علیرغم جان فشانی و مقاومت و مبارزه سخت در برابر تهاجم سرمایه به کار و معیشت خود در دفاع از هستی و حقوق انسانی خود موفق نبوده است؟ گره اصلی

به عقیده شما چیست و چه وظایفی بر عهده جنبش کارگری و فعالین آن برای برون رفت از این وضعیت نابسامان وجود دارد؟

صلاح مازوجی: مهمترین معضل جنبش کارگری در شرایط کنونی فقدان تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگران است. طبقه کارگر به همین دلیل نتوانسته است علیرغم وزن اجتماعی و موقعیت تعیین کننده‌ای که در تولید اجتماعی دارد و علیرغم استقامت و جان فشانی‌هایی که در برابر یورش‌های پی‌درپی سرمایه‌داران و دولتشان به جان و مال کارگران از خود نشان داده است، باز نتوانسته نقش درخور خود را ایفا کند و بر روندهای سیاسی موجود در جامعه تاثیر بگذارد.

فقدان تشکل‌های توده‌ای کارگران در ایران یک معضل تاریخی است. طبقه کارگر در ایران بجز در مقاطع تاریخی معینی در سالهای ۱۳۱۰-۱۳۰۰ و دوره دوم در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۲۰ شمسی و در دوره کوتاه بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ که جامعه ایران با غلیانهای سیاسی و اجتماعی روبرو بوده است از حق و امکان برپایی تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای خود محروم بوده است. فقدان تشکل‌های کارگری اساسا به دلیل خفقان سیاسی بوده است. البته در سالهای اخیر ما در مواردی شاهد شکل‌گیری صندوق‌های تعاونی مالی، تعاونی‌های مسکن، کمیته‌های مخفی اعتصاب، محافل کارگری که به ابتکار کارگران پیشرو تشکیل شده‌اند بوده‌ایم، اما این تلاشها هنوز تغییری در این واقعیت نداده است که کارگران ایران فاقد تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای خود هستند و این مهمترین ضعف جنبش کارگری ایران است. برای فائق آمدن بر این ضعف هیچ نیازی به کار آگاهگرانه یا ترویج در زمینه ضرورت تشکل‌یابی در میان کارگران نیست. طبقه کارگر ایران بسیار آگاهتر و سیاسی‌تر از آن است که لازم باشد در این زمینه با آنها صحبت کرد، بلکه باید اساسا به کمک و همیاری فعالین و پیشروان سوسیالیست کارگری در محل راه و روش برپایی این تشکل‌ها را پیدا کرد. در اینجا بر نقش فعالین و پیشروان رادیکال و سوسیالیست کارگری تاکید شد، چون گرایش راست و رفرمیست‌های درون جنبش کارگری که در گذشته همواره مبلغ حضور و فعالیت در تشکل‌های زرد و دولتی بوده‌اند اکنون هم در تلاشند تا به یاری بورژوازی و نهادهای وابسته به رژیم و با تایید و موافقت سازمان جهانی کار تشکل‌هایی را برپا دارند تا به وسیله آنها جنبش طبقه کارگر را در جهت منافع بورژوازی به کنترل در آورند. گرایش چپ و سوسیالیست‌های درون جنبش کارگری قبل از هرچیز لازم است تصویر روشنی از اهداف و استراتژی ناظر بر تلاشها و تشکل‌های مورد نظر رفرمیست‌ها و بورژوازی به توده کارگران بدهند و نگذارند که کارگران تحت تاثیر تبلیغات آنها برای ایجاد این نوع تشکل‌ها قرار بگیرند.

در شرایط کنونی که چشمنداز آزادی ایجاد تشکل و برسمیت شناختن تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای و سراسری کارگران تحت حاکمیت رژیم سرمایه جمهوری اسلامی وجود ندارد و از آزادیهای دموکراتیک که لازمه ادامه کاری این تشکل‌هاست خبری نیست، دخیل کردن توده‌های هر چه وسیعتری از کارگران در پروسه ایجاد و حفظ این تشکل‌ها می‌تواند ادامه کاری این تشکل‌ها را عملا به رژیم تحمیل کند. با توجه به وسعت مبارزات کارگری زمینه‌های مناسبی برای ایجاد این تشکل‌ها فراهم شده است. اما در شرایطی که ما با وجود هزاران مرکز صنعتی و کارگری روبرو هستیم، و در شرایطی که فعالین سوسیالیست و پیشروان کارگری فقط می‌توانند با معدودی از هم طبقه‌ای‌های خود تماس و رابطه برقرار کنند، ضروری است که وسیله ارتباط جمعی با توده‌های هر چه وسیعتری از کارگران را بوجود آورند. هماهنگ شدن، فعالین و پیشروان کارگری و بسیج گسترده کارگران برای ایجاد تشکل‌های توده‌ای

کارگری بدون وسائل مدرن ارتباطی، بدون یک نشریه سراسری اگر نه غیر ممکن اما بسیار دشوار است. طبقه کارگر با مبارزات خود در سالهای اخیر توانسته دیوار خفقان جمهوری اسلامی را درهم شکند و فعالین کارگری توانسته اند در محدوده معینی فعالیت مطبوعاتی داشته باشند، این فعالیت ها لازم است تا انتشار یک نشریه کارگری سراسری ادامه یابد.

نگاه: با توجه به اینها، نظر شما درباره تحولات اخیر در جنبش کارگری چیست؟ مقصود تحولاتی است که در این سالهای اخیر در زمینه مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر و توضیح مختصات این مبارزه صورت گرفته است و در روند خود به برگزاری اول ماه مه سال جاری در برخی از شهرهای ایران، صدور قطعنامه اول ماه مه، واقعه سقز و دستگیری و محاکمه تعدادی از فعالین کارگری منجر شده است.

صلاح مازوجی: شمار اعتراضات و اعتصابات که کارگران ایران در سالهای اخیر برای مقابله با تعرض سرمایه داران به حقوقشان در رشته های مختلف تولیدی و خدماتی پیش برده اند در تاریخ جنبش کارگری کم سابقه بوده است. کارگران هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ، راهپیمایی، راهبندان و تجمع اعتراضی را علیه سرمایه داران سازمان دادند. اگر چه مضمون خواستها و مطالباتی که کارگران را به اعتراض و مبارزه کشانده است عمدتاً ماهیتی دفاعی داشته اند و کارگران در اکثر موارد برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه و اخراج همکارانشان، پرداخت دستمزدهای معوقه و یا شرایط بازخرید کارگران و ... دست به اعتراض زده اند با این همه این مبارزات نقش غیر قابل انکاری در رشد و تکامل جنبش کارگری داشته است. در کوره این مبارزات یک نسل تازه از پیشروان کارگری پرورده شده اند، اینها به تجربه دریافته اند که بدون برپایی تشکل های طبقاتی، توده ای کارگران پیشروی در مبارزه علیه سرمایه داری مقدور نیست. بدون این مبارزات و تداوم آنها ما نمی توانستیم و نمیتوانیم از امکان پذیری برپایی تشکل های طبقاتی کارگران سخن به میان آوریم.

در جریان این مبارزات گرایش راست و رفرمیستی درون جنبش کارگری همواره تلاش کرده است تا مانع آن شود که کارگران به اشکال رادیکال مبارزه روی آورند، این واقعیت در عکس العمل گرایشات مختلف در جریان برگزاری اول ماه مه و قطعنامه هایی که از جانب آنها صادر شد بازتاب یافت. گرایش راست در قطعنامه اش آشکارا به تعریف و تمجید از جمهوری اسلامی سرمایه پرداخت و از آن شکوه کرد که چرا نمایندگان کارگران به خانه ملت راه نیافته اند و از طرف دیگر بدنبال یورش رژیم به صف برگزارکنندگان اول ماه مه در شهر سقز و زندانی کردن تعدادی از فعالین جنبش کارگری این گرایش به بهانه اینکه نمی خواهد خود را درگیر مسائل سیاسی کند، هیچ حمایتی از دستگیرشدگان اول ماه مه بعمل نیاورد و بار دیگر بیگانگی خود را با نیاز مبارزات کارگران نشان داد.

اهمیت مراسم اول ماه که جریان رادیکال جنبش کارگری آن را سازمان داده بود و قطعنامه اش در تجمعات مختلف کارگری قرائت شد تنها در مضمون قطعنامه نبود. کارگران سنج بسیار پیش تر در سالهای ۶۶، ۶۷ و ۶۸ در متینگ ها و تجمعات چند هزار نفری از موضعی انترناسیونالیستی ادعانامه کارگران ایران علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را اعلام و مبانی یک قانون کار کارگری را ارائه دادند. اما پیامدهای اول ماه مه امسال، زندانی کردن شماری از فعالین کارگری در سقز، پایداری و استقامتی که دستگیر شدگان در زندان از خود نشان دادند، حمایت مردم سقز و سپس بخشهایی از

جنبش کارگری از دستگیرشدگان، انعکاس وسیع اخبار مربوط به این کشمکش و مبارزه، واکنش سریع کنفدراسیون اتحادیه‌های آزاد کارگری که نمایندگانش دو روز پیش محمود صالحی و محسن حکیمی را ملاقات کرده بودند، شناخته شدن و رو آمدن محمود صالحی و تعدادی دیگر از فعالین کارگری در این ماجرا، جنبش کارگری ایران را در موقعیت نسبتاً تازه‌ای قرار داد. پیامدهای این حرکت نقشه‌ها و پروژه‌های، نهادهای ضد کارگری رژیم اسلامی و بورژوازی ایران را که می‌خواهند در همکاری و با موافقت سازمان جهانی کار تشکیل‌های مورد نظر خود را به کارگران تحمیل کنند از قبل بی‌اعتبار ساخت و در مجموع جنبش کارگری ایران را در موقعیت مناسبتری برای ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگران قرار داد.

نگاه: به عقیده شما، مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر بطور مشخص از چه خصوصیتی برخوردار است و تا چه اندازه مبارزه متنوع و تو در توی طبقه کارگر- از مبارزه برای افزایش دستمزد و تامین رفاهیات اجتماعی گرفته تا مبارزه برای دخالت در سرنوشت جامعه بشری و کسب قدرت سیاسی و ... را در بر می‌گیرد؟ و ناظر بر این مبارزات است؟

صلاح مازوجی: این گفته انگلس که زمانی اثبات آن احتیاج به دلیل و برهان داشت، اکنون به شعور عمومی کارگران تبدیل شده است. بیان این حقیقت ساده، "که نفع هر یک از سرمایه داران و هم منافع کل طبقه سرمایه دار در آن است که دستمزدها را حتی الامکان در سطح پایینی نگاه دارد. محصول کار کارگر بعد از تفریق تمام مخارج مربوطه به دو بخش تقسیم می‌گردد، یک قسمت مزد کارگران را تشکیل می‌دهد و قسمت دوم سود سرمایه داران را، حال از آنجا که محصول خالص کار در هر مورد مقدار معینی می‌باشد، بدیهی است که بخشی که سود نامیده می‌شود نمی‌تواند افزایش یابد مگر بخش دیگر که مزد نامیده می‌شود کاهش یابد."

اگر قانون اساسی سرمایه تصاحب ارزش اضافه و کسب سود است، بنابراین مبارزه کارگر برای افزایش دستمزد و پایین آوردن مدت زمان کارهیچ معنایی جز کاهش دادن سود و ارزش اضافه تصاحب شده از جانب سرمایه دار ندارد و به همین اعتبار مبارزه‌ای ضد سرمایه داری است.

این قانونمندی نظام سرمایه داری یعنی تلاش برای کسب سود بیشتر در تمام زمینه‌ها عمل می‌کند، اخراج کارگران، به تعویق انداختن پرداخت دستمزدها، تحمیل شرایط ناامن کار به کارگران و ... همه در تحلیل نهایی معنایی جز تلاش سرمایه داران و صاحبان صنایع برای کسب فرصت‌های مناسب‌تر برای به جیب زدن سود بیشتر ندارد. اگر این سیاستها و تعرض سرمایه داران به کارگران ضد کارگری هستند، بنابراین مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل این یورشهای بورژوازی به حقوقشان مبارزه‌ای ضد سرمایه داری است. حاکمیت مدل‌های مختلف سرمایه داری از سرمایه داری دولتی گرفته تا سرمایه داری مبتنی بر بازار آزاد و مدل نئولیبرالیستی آن هیچ تغییری در این قانونمندی نمی‌دهد.

در این مبارزات و کشمکش‌های طبقاتی طبقه کارگر به سرعت درک می‌کند که مبارزه برای کسب دستمزد بیشتر و پایین آوردن ساعات کار و دیگر مطالبات صنفی نمی‌تواند هدف نهایی وی باشد، بلکه این مبارزات نهایتاً باید در خدمت کسب قدرت سیاسی از جانب طبقه کارگر و برچیدن مناسبات سرمایه داری و سیستم کار مزدی باشد.

نگاه: ممکن است قدری هم در باره رابطه مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر و ((الغای کار مزدی)) توضیح بدهید؟ آیا از نظر شما این دو یک پدیده واحد در دل یک مبارزه معین هستند؟ آیا هر کارگر و یا هر مبارزه ضد سرمایه داری کارگران، با اعتقاد به ((الغای کار مزدی)) همراه است و در این جهت صورت می گیرد؟ اگر آری، چرا؟ و اگر نه، پس رابطه این دو چگونه است؟ و ((الغای کار مزدی)) چه جایگاهی در دل مبارزات روزمره طبقه کارگر می یابد؟

صلاح مازوجی: البته دقیقا نمی دانم که طرح این سؤال و پاسخهایی که بدان داده می شود میخواهند به حل کدام معضل عملی پیشروی فعالین جنبش کارگری کمک کنند، با اینهمه نکاتی که در این رابطه بنظر می رسد را مختصرا اشاره می کنم. همانطور که در پاسخ به سؤال قبلی اشاره کردم عرصه های مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری بسیار گسترده و متنوع است. این مبارزات که جزو موجودیت طبقه کارگر و هر لحظه در جریان است، هدفی جز کسب سهم بیشتر از محصولی که تولید می کنند در بر ندارد، و به همین اعتبار هم مبارزه ای ضد سرمایه داری است. اما این بدان معنا نیست که هر مبارزه معینی که در جریان است با هدف و افق الغای کار مزدی صورت می گیرد. دخیل و فعال بودن در مبارزات روزمره کارگران با هدف و دورنمای لغو کار مزدی (البته اگر منظور الغای مناسبات مبتنی بر مالکیت خصوصی باشد) خصوصیات گرایش معینی در درون جنبش کارگری است، گرایش کمونیستی یا سوسیالیسم کارگری و یا به تعبیر شما گرایش ضد کار مزدی. وجود این گرایش در درون جنبش کارگری یک واقعیت اجتماعی است همانطور که رفرمیسم هم یک واقعیت انکارناپذیر درون جنبش کارگری است.

این وظیفه و امر سوسیالیست های کارگری است که با حضور در تمام لحظات جنبش کارگری تلاش کنند که افق کارگران را از مبارزه برای حصول مطالبات صنفی و اقتصادی که برای کارگران بسیار حیاتی است فراتر ببرند و تصویر روشنی از کل مناسبات اقتصادی موجود به کارگران بدهند و چشم انداز سوسیالیستی را در مقابل آنها قرار دهند. اگر نخواهیم بکاربردن مفهوم "گرایش لغو کار مزدی" را صرفا برای مرزبندی با فلان جریان سیاسی و یا فعال کارگری بغل دستی مان بکار ببریم که امیدوارم اینطور نباشد، گرایش سوسیالیستی بیان جامع تر گرایش الغای کار مزدی هم هست و خصلت نمای این گرایش را مارکس در مانیفست کمونیست بیان داشته است: " کمونیست ها در مبارزات پرولتارهای ملل گوناگون مصالح مشترک همه پرولتاریا راصرف نظر از منافع ملی شان، در مد نظر قرار می دهند و از آن دفاع می کنند، و از طرف دیگر در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی می کند، آنان همیشه نمایندگان مصالح و منافع همه جنبش هستند". نیاز به تبیین دوباره ای نیست، اگر این خصوصیتی را که مارکس در خطوط کلی بیان داشته است را بمفهوم جامع آن در نظر آوریم می توانیم در شرایط مختلف مبارزه طبقاتی تمایزات گرایش کمونیستی را با دیگر گرایشات درون جنبش کارگری بر شمرده و وظایفی که برای ایجاد وحدت و همبستگی در صف کارگران بر دوش آنها قرار میگیرد را روشن کنیم.

نگاه: در پایان این گفتگو و با توجه به صحبت های تاکنونی، خوب است قدری هم به چگونگی تشکیل یابی طبقه کارگر و مختصات این تشکلیابی معطوف شویم. به نظر شما، تشکل طبقاتی کارگران از چه مختصاتی برخوردار است؟ و چه نقشی در روند مبارزه طبقاتی کارگران علیه

سرمایه داری ایفا می کند.

صلاح مازوجی: اکنون رشد اعتراضات و مبارزات صنفی کارگران و نیاز به پیشروی در این مبارزه مسئله تشکلیابی کارگران را به معضل عملی پیش پای فعالین کارگری تبدیل کرده است. و فکر میکنم تجربه شوراهای اسلامی، خانه کارگر و دیگر نهادهای ضد کارگری وابسته به رژیم به همه کارگران ثابت کرده است که ایجاد تشکلهای طبقاتی و توده ای کارگران امر خود کارگران است. نه جمهوری اسلامی، نه هیچ دولت بورژوائی دیگر و نه سازمان جهانی کار شورا و سندیکا برای کارگران تشکیل نمی دهند تا بوسیله این تشکلهای مبارزه علیه سرمایه داران را پیش ببرند. این تشکلهای را در جریان مبارزه و با اتکا به نیروی اتحاد و همبستگی وسیع کارگران می توان بر پا کرد و به رژیم تحمیل کرد. پیش شرط ایجاد این نوع تشکلهای دخالت دادن توده هر چه وسیعتری از کارگران در پروسه ایجاد آنهاست. جمهوری اسلامی را باید در مقابل یک امر واقع شده قرار داد.

روشن است تشکلهای طبقاتی کارگران که مستقل از تلاشهای دولت و سرمایه داران بر پا شده باشد، حال شورا باشد یا سندیکا و یا کمیته کارخانه، یکی از مهمترین مختصاتش این است که مطالبات و خواستههای صنفی کارگران را نه در سازش و همکاری با سرمایه داران بلکه با اتکا به مبارزه کارگران پیش می برد. اینکه آیا این تشکلهای در همانحال بعنوان ابزار مبارزه سیاسی کارگران هم عمل می کنند یا نه، را روند تکامل مبارزه کارگران تعیین می کند. اما این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که مبارزات صنفی کارگران در ایران تحت شرایط خفقان جمهوری اسلامی و رویارویی ناگزیر این مبارزات و اعتصابات کارگری با نیروهای سرکوبگر رژیم به سرعت به مبارزه سیاسی سوق پیدا می کند و در محدوده مبارزات صنفی باقی نمی ماند. این الزامات مبارزه، ایجاد تشکلهایی را در دستور کارگران قرار می دهد که ظرفیت هدایت مبارزات سیاسی کارگران را هم داشته باشد. تجارب تاریخی نشان داده است که شوراها گذشته از عملکرد مکانیسم های درونی آن که دخالت مستقیم تر کارگران را در همه عرصه های تصمیم گیری و اجرایی تامین می کند ظرفیت رهبری عرصه های مختلف مبارزات کارگری را هم دارد. اما واقعیت جنبش کارگری و تلاشهایی که برای تشکلیابی کارگران در جریان است بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان به سادگی برای آن خط و نشان تعیین کرد. بطور قطع تشکلیابی کارگران اشکال گوناگونی بخود می گیرد و روشن است در همه جا کارگران پشت سر گرایش سوسیالیستی و آلترناتیو شورا بخت نمی شوند. منافع طبقه کارگر ایجاب می کند که فعالین و پیشروان سوسیالیست کارگری که مروج برپایی شوراهای کارگری هستند هر جا که با زمینه ها و تلاش کارگران برای تشکیل اتحادیه و یا کمیته کارخانه و.. روبرو شدند باید فعالانه و دوش بدوش کارگران در پروسه برپایی این تشکلهای شرکت کنند تنها در این صورت است که می توانند در درون این تشکلهای نقش موثرتری در دفاع از استقلال طبقاتی کارگران و رواج ایده های سوسیالیستی در میان کارگران داشته باشند و مانع رشد بروکراتیسم در درون این تشکلهای شوند.

اگر تشکلهای توده ای کارگران شکل بگیرند، تازه آنزمان است که مبارزه گرایش درون جنبش طبقه کارگر هم تکامل پیدا می کند و خود این تشکلهای در همانحال که ظرف مبارزه کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان هستند، به ظرف پیشبرد مبارزه گرایش درون جنبش طبقه کارگر هم تبدیل می شوند و گرایش سوسیالیستی تنها در صورت نشان دادن حقانیت استراتژی، سیاست ها و تاکتیک هایش در میدان عمل و در ابعاد اجتماعی است که می تواند در میان کارگران هم توده گیر شود.

